

انقلاب اسلامی و دفاع مقدس در نظام آموزشی کشور
(تعلیم و تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی در تراز انقلاب اسلامی و دفاع مقدس)

مرتضی زارع برمی^{*۱}

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۳/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۷/۲۶

چکیده: انقلاب اسلامی و دفاع مقدس بخشی از سرنوشت و هویت ملت ایران در چهار دهه اخیر است و براساس این دو رویداد کلان تاریخی - حماسی، امام خمینی رحمته الله علیه، اسلام، عاشورا، شهادت، آرمان شهید، استقلال، آزادی، صلح، عدالت و برابری درزمره باورها و ارزش‌های استقلال از استکبار و رهایی از استبداد و تجاوز خارجی جمهوری اسلامی ایران است. هریک از این سرفصل‌های محتوایی و ارزشی می‌تواند، به‌تنهایی هسته مرکزی بسیاری از سرفصل‌های آموزش و پرورش را شکل دهد و در رشد مهارت‌های شناختی، عاطفی و اجتماعی دانش‌آموزان کشور مؤثر باشد. بر همین اساس، بایستی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، سهمی ارزنده در بالندگی آموزش و پرورش کشور داشته باشند، زیرا ارزش‌ها و باورهای انسانی، اسلامی و ایرانی در حد اعلای خود در منظومه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس تبلور یافته است؛ با عنایت به موارد بالا، پژوهش حاضر، با روش توصیفی - تحلیلی و با در نظر گرفتن مفاد اسلامی - ایرانی سند تحول بنیادین آموزشی کشور به‌رشته تحریر درآمده و در پی بررسی منظومه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس در حوزه تعلیم و تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی است.

واژگان اصلی: انقلاب اسلامی، دفاع مقدس، سند تحول بنیادین، عاشورا، آموزش و پرورش، نظام آموزشی.

*۱. استادیار دانشگاه دامغان و نویسنده مسئول (رایانامه: tmuzare@yahoo.com).

مقدمه

برای معرفی باورها و ارزش‌های انقلاب اسلامی و دفاع مقدس به نظام آموزشی، باید ابتدا ایدئولوژی انقلاب و به دنبال آن، دفاع در اسلام مورد بررسی قرار گیرد. تأثیر مستقیم انقلاب و ارزش‌های حاکم‌برآن در ذهن و زبان مردم و فاصله زمانی کوتاهی که بین پیروزی انقلاب و وقوع جنگ وجود دارد؛ ارتباط این دو حادثه و تأثیر انقلاب بر ساختار جنگ را کاملاً نمایان می‌سازد. برخی از مهم‌ترین عوامل شکل‌دهنده ایدئولوژی انقلاب و جنگ که در ایستادگی ملت ایران مؤثر افتاد، عبارت‌اند از:

۱- منظومه فکری و اعتقادی امام خمینی رحمت‌الله‌علیه

منظومه فکری و اعتقادی امام خمینی رحمت‌الله‌علیه مؤثرترین عامل شکل‌گیری گفتمان و هویت ملی بعد از انقلاب است. اصالت و حاکمیت ارزش‌های دینی و نقد تمدن با تکیه بر ارزش‌های اسلامی، قطع کردن ریشه‌های استبداد، استعمار و استثمار، اعتماد و اتکا به خداوند و تقویت معنویت، مبارزه با جلوه‌های وابستگی و کسب استقلال سیاسی، اقتصادی و فرهنگی از جمله عناصر اصلی تشکیل‌دهنده منظومه فکری امام خمینی رحمت‌الله‌علیه محسوب می‌شوند.

۲- مذهب تشیع

مذهب تشیع، دارای مفاهیم و نمادهایی است که در جریان انقلاب با ارائه قرائت‌های انقلابی، تبدیل به ایدئولوژی مسلط در بسیج نیروهای مردمی شد.

اعتقادات خاص شیعه در زمینه عدالت اجتماعی، سیره و زندگی ائمه اطهار علیهم‌السلام و تأثیر آن بر زندگی روزمره جامعه، تأثیر قیام و شهادت امامان معصوم علیهم‌السلام و استمرار تاریخی آن در هویت دینی و جمعی ایرانیان و توانایی تغییر ایدئولوژیک در مذهب تشیع به دلیل وجود عناصری نظیر ایثار و شهادت‌طلبی، غیبت، انتظار، مهدویت و مانند آن، از جمله مهم‌ترین عوامل برجسته‌بودن مذهب تشیع در فرآیند شکل‌گیری ایدئولوژی انقلاب اسلامی است.

نکته مهم در این بین، تغییرات محسوسی است که در رهیافت‌های عملی نمادهای تشیع در ایران به وجود آمد. به طوری که نگاه به واقعه کربلا از یک گریستن انفعالی خارج و کربلا به یک دفاع حماسی واقعی برای تحقق ایده‌های آرمانی امام حسین علیه‌السلام تبدیل شد و تعهد به این ایده‌ها از حالت فردی خارج گردید و ماهیتی اجتماعی یافت. امام علی علیه‌السلام نیز نماد تأسیس

حکومت عدل در نظام سیاسی آرمانی تلقی شد. تغییر در ساختار نظریه انتظار ظهور منجی موعود، از دیگر جنبه‌های این تغییرات به‌شمار می‌رود.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و «با وقوع جنگ تحمیلی، اسلام انقلابی از سطح به عمق ارتقا یافت و شور انقلابی به شعور انقلابی تبدیل شد» (اردستانی، ۱۳۷۳: ۱۲۱). در این عرصه جدید، جوهره کفرستیزی و مقاومت که از روح اسلام نشأت می‌گیرد، احیا و باب جهاد برای سلحشوران گشوده شد.

۳- تغییر در طبقات اجتماعی ایران

پس از انقلاب، تزلزلی اساسی در ارزش‌های حاکم‌بر نظام اجتماعی پیش از انقلاب به وجود آمد. این تزلزل، سبب دگرگونی‌های اساسی در ارزش‌های جامعه شد. به‌عنوان نمونه، طبقه مرفه و اشرافی، طبقه غیرمذهبی، طبقه فرهنگی متمایل به غرب و روشنفکران غرب‌گرا بر اثر وقوع انقلابی اسلامی با چالش‌های اساسی مواجه شدند و درمقابل، طبقاتی در جامعه رشد کردند و ارزش یافتند که دقیقاً ویژگی‌های خلاف طبقات ذکرشده را دارا بودند و به‌دنبال آن، تغییر و تحول در ارزش‌های فرهنگی و هنری ایران بروز کرد (سازگارا، ۱۳۷۷: ۱۲۷). تمامی تغییر و تحولاتی که به آن‌ها اشاره شد، در گفتمان و ساختار فکری جامعه در دوران جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق علیه ایران نقش تعیین‌کننده داشته است.

علاوه‌بر موارد بالا، دفاع مقدس خود نیز عامل ایجاد ارزش‌های ویژه‌ای بود. مبارزه با کفار و استکبار، ایثار و از خودگذشتگی در راه اعتلای ارزش‌های اسلامی و تلاش برای ارتقای نقش جهان اسلام، برجسته‌شدن نقش مهدویت در جامعه، فرهنگ شهادت و حراست از سرزمین اسلامی ایران، از جمله ارزش‌هایی بودند که با ادغام در ارزش‌های انقلاب، مجموعه‌ای درهم‌تنیده، منسجم و پیچیده از ارزش‌های متعلق به ایدئولوژی دفاع مقدس را پدید آوردند.

۴- ایدئولوژی انقلاب اسلامی

ژان بشلر در پاسخ به این سؤال که ایدئولوژی به چه درد می‌خورد؟ کارکردهای مختلف ایدئولوژی را برمی‌شمارد که شامل صف‌آرایی یا جبهه‌گیری، توجیه، پرده‌پوشی، موضع‌گیری و دریافت یا ادراک است.

کارکرد صف‌آرایی یا جبهه‌گیری سبب جداکردن صف‌های دوست و دشمن به‌وسیله‌ طرح نشانه‌ها، نمادها، شعارها و علائم دیگر می‌گردد تا اعضای جنبش به‌راحتی دوست و دشمن خود را شناخته و صف خودی را از غیرخودی جدا کنند. این کار، سبب تسهیل فداکاری و ایثارگری برای خود و پرخاشگری برای غیرخودی است (بشلر، ۱۳۷۰: ۶۶-۶۱).

در کارکرد توجیه، ایدئولوژی دلایل خود را برای اهداف جنبش مطرح کرده و حقانیت آن را برای طرفداران نشان می‌دهد تا آنان را آماده‌ حرکت و فداکاری برای جنبش نماید. همچنین، ایدئولوژی کمک می‌کند تا فرد از میان جهت‌گیری‌ها، مواضع و هدف‌های متعدد، گزینش کرده و ترکیب و تفسیر خاصی از داده‌های موجود را ملاک‌عمل خود قرار دهد. یکی از این دریافت‌ها، دریافت وضعیت مطلوب اجتماعی و فاصله و شکاف آن با وضع موجود است. هرچه این شکاف عمیق‌تر باشد، توجیه بهتری برای جنبش انقلابی و فداکاری در راه آن وجود خواهد داشت (همان: ۹۱)؛ بنابراین، اعتقاد محکم به ایدئولوژی و حقانیت آن و حقانیت اهدافی که ترسیم می‌کند و گزینش‌هایی که پیش پای انسان می‌گذارد، ضرورت اساسی برای اقدام انقلابی، جانفشانی و از خودگذشتگی برای اهداف آن دارد. هرچه این اهداف عام‌تر، انتزاعی‌تر، کلی‌تر و بلندمدت‌تر باشد، باوراندن آن‌ها به مردم مشکل‌تر می‌شود؛ در نتیجه، نیاز به یک ایدئولوژی قوی، نیرومند و متقاعدکننده بیشتر می‌گردد. زیرا، در این صورت، نتیجه‌ بسیاری از فداکاری‌ها و ایثارگری‌ها در کوتاه‌مدت به فرد برنمی‌گردد و دلایل قانع‌کننده‌تری برای فداکاری و جانبازی موردنیاز است؛ از این‌رو، نارسایی ایدئولوژی‌های مادی برای انقلاب‌ها و جنبش‌های اجتماعی و برتری ایدئولوژی اسلامی در برابر آن‌ها آشکار می‌شود. از این‌رو، انتخاب جهاد، شهادت و جانبازی برای اهداف اسلام و انقلاب به‌علت اعتقاد به زندگی برتر ماورای مادی ممکن می‌گردد و درنهایت، درجه و اوج ایثارگری و فداکاری مردم در انقلاب اسلامی و دفاع مقدس با دیگر انقلاب‌ها و نبردهای نظامی روشن می‌شود (پناهی، ۱۳۸۵: ۶۴).

این چنین است که فرد مسلمان، جان باختن در راه اهداف متعالی اسلام را نه تنها غیرعقلانه تلقی نمی کند، چنان که نظریه های فایده گرا مطرح می کنند (Olson, 1977: 2) بلکه، آن را عقلانه ترین انتخاب موجود می داند؛ انتخابی که در آن، فرد وارد معامله با خدا می شود که در قبال جهاد و شهادت در راه خداوند و اسلام، بهشت و زندگی جاودانه را نصیب خود می کند (توبه: ۱۱۱).

در بحث ویژگی های ایدئولوژی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، اخوان مفرد (۱۳۸۱) نیز، کارکرد ایجاد روحیه فداکاری، ایثار، صبر و ایستادگی انقلابی را به عنوان یکی از کارکردهای این ایدئولوژی ذکر می کند و می نویسد: «در رأس ارزش هایی که مورد توجه امام خمینی رحمت الله علیه قرار داشت، ارزش هایی چون ایثار، فداکاری، از خودگذشتگی و پایمردی نیز، جای دارند (اخوان مفرد، ۱۳۸۱: ۲۴۵).

بنابراین، می توان گفت، اندیشه مسلط بر هویت انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، تأکید ویژه ای بر تحولات اجتماعی و سیاسی دارد. مقصود اندیشمندان انقلاب اسلامی از نگارش استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی و پذیرفتن پیامدهای آن، تربیت انسانی آزاده، ضدسلطه، استعمارستیز، تحلیل گر، انتقادی، مشارکت جوی سیاسی، حامی تعامل فرهنگی و خواهان گرایش جامعه به سمت مشارکت های فعال دینی و اسلامی است تا به توسعه عدالت اسلامی و احترام به تنوع یاری برساند. نسل آرمانی پرورش یافته در مکتب انقلاب اسلامی و دفاع مقدس باتوجه به نظام باورها و ارزش های نهادینه شده در این دو رویداد کلان، دارای مختصات ذیل است:

۱. برخوردار از شور و شعور سیاسی است.
۲. پاسدار خون شهدای انقلاب اسلامی و دفاع مقدس و پای بند به باورهای و ارزش های مورد نظر آن هاست که اطاعت از رهبری امت اسلامی، پاسداری از انقلاب، حفظ تمامیت ارضی کشور و استقلال آن در صدر این باورها و ارزش ها جای دارد.
۳. آماده جان فشانی در پاسداری از آرمان های متعالی انقلاب اسلامی است؛ آرمان هایی که با ارزش های والای انسانی همچون عدالت، صلح و آزادی پیوند دارد.
۴. به آینده امیدوار و منتظر واقعی ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه است.
۵. خواهان گفتگو و مشارکت فعال در زندگی اجتماعی است.

اهمیت و ضرورت انجام پژوهش

اولویت کنونی انقلاب اسلامی و دولت برآمده از نهاد آن، بعد از گذشت چهار دهه، تقویت نیروی انسانی مجرب و مدیران کارآمد است. برای تشریح این موضوع و اهمیت و ضرورت آن، باید تبیین دقیقی از جایگاه انقلاب اسلامی صورت گیرد. باید آرمان‌ها، ایده‌آل‌ها و مطلوب‌ها شناسایی گردید تا درباره آن‌ها بحث و گفت‌وگو صورت پذیرد و سپس، برای رسیدن به آن‌ها برنامه‌ریزی نمود و در نهایت به نقطه مطلوب رسید؛ زیرا، منابع انسانی مطلوب، پیش شرط تحقق دولت اسلامی و دستیابی به آرمان‌های متعالی آن است. برای مثال، در عصر حاضر برخی از تجربه‌ها مثل تجربه حزب الله لبنان یا هشت سال دفاع مقدس، به عنوان تجربه‌ای موفق متبلور می‌شود. باید بیان کرد که این‌گونه موفقیت‌ها، مولود نیروسازی و تربیت نیروی متعهد است. ضمن این‌که، پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ هجری شمسی، مولود پنج‌دهه نیروسازی و قرن‌ها تجربه‌اندوزی بوده است.

انقلاب اسلامی متأثر از پنج مقطع تاریخی در مدیریت و رهبری سیاسی اسلام به لحاظ جامعه‌شناسی است که این مقاطع را می‌توان در چارچوب مؤلفه‌های ذیل تقسیم کرد:

- بنیان‌گذاری اسلام.
- پایداری و مقاومت که در زمره راهبردهای ماندگار اسلام است.
- دوران بیماری و آفت: این دوران با ورود آموزه‌های تجددمآبانه غربی به شرق اسلامی و در بستر چالش بزرگ دین و توسعه شروع می‌شود. در پی این تحولات، عده‌ای به غرب رفتند و هویت خود را ازدست دادند و توسعه را در راه‌حل‌های وارداتی جستجو کردند. برخی، اعتقاد داشتند راه رسیدن به پیشرفت و تمدن، تن‌دادن به الگوهای سرمایه‌داری و لیبرالیسم است. آن‌ها، با این راه‌حل به موطن خویش مراجعت کردند. بعضی هم، بعد از تولد کمونیسم به مارکسیسم روی آوردند. تعداد دیگری بر آن شدند که غرب به دلیل ناسیونالیسم پیشرفت کرد. بنابراین ژست ناسیونالیسم و ملی‌گرایی به خود گرفتند و این حرف را مدلسازی کردند. یک‌عده هم، ترکیبی از این سه مدل را به جامعه عرضه داشتند. در خیلی از کشورهای اسلامی، سوسیالیسم به انضمام ملی‌گرایی و در بعضی کشورها هم، آمیزه‌ای از ملی‌گرایی و سرمایه‌داری مطرح شد.

- دوران بیداری: دوره چهارم تقریباً از ۲۵۰ تا ۳۰۰ سال پیش شروع می‌شود. در دوران بیداری، راه‌حل توسعه و پیشرفت جامعه مسلمانان، بازگشت به اسلام و هویت اسلامی تشخیص داده شد. بیداری اسلامی بر آن شد تا دین و توسعه را آشتی بدهد. بنابراین، شعار اتحاد اسلامی، شناخت آموزه‌های اسلام و تمدن‌سازی اسلام را مطرح کرد. اوج بیداری اسلامی به پیروزی انقلاب ما و نهضت امام خمینی رحمت‌الله‌علیه منتهی می‌شود.

- دوران بازتولید قدرت اسلام و پیروزی انقلاب اسلامی: انقلاب اسلامی، یک اتفاق در کشور نیست؛ بلکه، قطعه‌ای از اسلام در ایران است. دوران پیروزی انقلاب اسلامی، دوران تجدیدبنا و شکوفایی اسلام و دوران بازتولید قدرت اسلام براساس آموزه‌های اهل بیت علیهم‌السلام است که چهار دهه از این دوران سپری شده است.

اکنون، پاسخ به پرسش‌هایی مثل این‌که قدم بعدی چیست؟ یا تحقق اندیشه انقلابی براساس مؤلفه‌های اسلامی چقدر زمان می‌برد؟ به نوع عملکرد مسئولان انقلاب اسلامی و به این‌که آن‌ها چگونه می‌اندیشند، چگونه رفتار می‌کنند و به دنبال چه الگویی هستند، بازمی‌گردد؛ زیرا، انسان، انتخاب‌گر است. بنابراین، تحول، بستگی به انتخاب انسان دارد. به‌عنوان مثال، اگر امام خمینی رحمت‌الله‌علیه حرکت نمی‌کردند، انقلاب اسلامی هم پیروز نمی‌شد و امام خمینی رحمت‌الله‌علیه هم اگر امتی مثل امت ایران اسلامی پیدا نمی‌کردند و ایمان در کنار امت و امامت ضمیمه نمی‌شد، انقلاب اسلامی در مصاف با استکبار، طاغوت و تجاوز خارجی به پیروزی و دوام دست نمی‌یافت.

اکنون‌که، پنج‌مین مقطع انقلاب اسلامی پیش‌رو است، ضرورت دارد تا وارثان انقلاب اسلامی همچنان با ارائه الگوهای اصیل و بومی برگرفته از انقلاب و دفاع مقدس و با تأسی به منظومه فکری امام خمینی رحمت‌الله‌علیه و مقام معظم رهبری مدظله‌العالی آموزش داده شوند تا از عمق جان، به‌لحاظ بینش و تفکر به اسلام ناب محمدی صلی‌الله‌علیه‌وآله معتقد باشند.

مبانی نظری و پیشینه‌شناسی پژوهش

نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی

نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی، نهادی اجتماعی و فرهنگی و سازمان یافته است که به‌عنوان مهم‌ترین عامل انتقال، بسط و اعتلای فرهنگ در جامعه اسلامی ایران، مسئولیت آماده‌سازی دانش‌آموزان و دانشجویان را جهت تحقق مرتبه‌ای از حیات طیبه در همه ابعاد برعهده دارد که تحصیل آن مرتبه، برای عموم افراد جامعه، لازم و شایسته است.

دستیابی به این مرتبه از آمادگی برای تکوین و تعالی پیوسته هویت فراگیران با تأکید بر ابعاد مشترک انسانی، اسلامی و ایرانی، ضمن در نظر داشتن مختصات فردی و غیرمشترک، مستلزم آن است که تربیت‌یافتگان این نظام، شایستگی‌های لازم را برای درک و اصلاح مداوم موقعیت خود و دیگران براساس معیارهای نظام اسلامی کسب کنند.

تعلیم و تربیت

تعلیم و تربیت، فرآیندی تعالی‌جو، تعاملی، تدریجی، یکپارچه و مبتنی بر نظام معیار اسلامی که به‌منظور هدایت افراد جامعه به سوی آمادگی برای تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبه در همه ابعاد گام برمی‌دارد تا از این مسیر، امکان مناسب برای تکوین و تعالی فرد و سپس، شکل‌گیری و رشد جامعه صالح اسلامی را فراهم سازد.

ساحت‌های تعلیم و تربیت

ساحت‌های مندرج در فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی عبارت‌اند از:

۱. تعلیم و تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی براساس باورها و ارزش‌های انقلابی و دفاعی کشور؛
۲. تعلیم و تربیت زیباشناختی و هنری؛
۳. تعلیم و تربیت اقتصادی و حرفه‌ای؛
۴. تعلیم و تربیت علمی و فناورانه.

نظام معیار اسلامی

مبانی و ارزش‌های مبتنی بر دین اسلام یا سازگار با آن، مشتمل بر سلسله‌مراتبی از ارزش‌ها است که خود را ناظر به همه ابعاد زندگی انسان می‌داند؛ زیرا، اسلام به همه عرصه‌های اجتماعی و فردی، دنیایی، آخرتی، مادی و معنوی زندگی انسان پرداخته است.

جامعه اسلامی

جامعه اسلامی، اجتماعی است که براساس خداگرایی در حالت تسلیم و رضا و به دور از روابط نژادی، خویشاوندی و یا قبیله‌ای و یا روابط انتفاعی و ستم‌گرانه و یا روابط قراردادی بنا می‌شود؛ روابط قراردادی، رویکرد استخدامی دارد و متکی بر منفعت یک‌طرف یا دوطرف قرارداد است.

در جامعه اسلامی که مظهر تحقق بُعد اجتماعی حیات طیبه است، پیوندهای خشونت‌آمیز با محوریت ترس، تهدید، ارعاب و یا انتفاعی براساس سودگرایی و استثمار و استخدام دیگران جایی ندارد؛ بلکه، ارتباط میان اعضای جامعه به ارزش‌های انسانی و اخلاقی، معرفت، محبت و اطاعت از خدا و اطاعت آگاهانه و اختیاری از نظام اسلامی معطوف است. روابط ظالمانه و تعصبات نژادی در این جامعه، طرد می‌شود و توحید، به‌عنوان اساس روابط اجتماعی رسمیت می‌یابد.

هویت اسلامی

هویت، برآیند مجموعه‌ای از بینش‌ها، باورها، گرایش‌ها، اعمال و صفات انسان است. از این‌رو، نه‌تنها، امری ثابت و ازپیش‌تعیین‌شده نیست؛ بلکه، حاصل تلاش و توفیق شخص و متأثر از شرایط اجتماعی است. انسان، می‌تواند با تکیه بر فطرت و استعدادهای طبیعی و با استفاده از نیروی عقل و اختیار و اراده خویش به معرفت راه یابد. این معرفت، می‌تواند زمینه‌های مشخص فکری و رفتاری را در فرد ایجاد کند و به‌دنبال آن، وی را برای پذیرش باورها و ارزش‌های جمعی مهیا سازد. پس، تکوین اولیه هویت براساس معیارهای نظام اسلامی می‌تواند در ایجاد هویت اسلامی فراگیران مؤثر باشد.

حیات طیبه

حیات طیبه، به معنای وضع مطلوب زندگی بشر در همه ابعاد و مراتب براساس نظام معیار اسلامی است که تحقق آن باعث دستیابی به هدف زندگی یعنی قرب الی الله خواهد شد؛ اوج حیات طیبه، در جامعه جهانی مهدوی تبلور خواهد یافت.

اهداف کلان تحول نظام آموزشی کشور با محوریت اسلام

اهداف کلان تحول نظام آموزشی کشور با محوریت اسلام عبارت است از: تربیت انسان موحد، مؤمن و معتقد به معاد و آشنا و متعهد به مسئولیت‌ها و وظایف در برابر خدا، خود، دیگران و طبیعت، حقیقت‌جو و عاقل، عدالت‌خواه و صلح‌جو، ظلم‌ستیز، جهادگر، شجاع، ایثارگر و وطن‌دوست، مهرورز، جمع‌گرا و جهانی‌اندیش، ولایت‌مدار و منتظر و تلاش‌گر، در جهت تحقق حکومت عدل جهانی، بااراده و امیدوار، خودباور و صاحب عزت‌نفس، امانت‌دار، دانا و توانا، پاکدامن و باحیا، انتخاب‌گر و آزادمنش، سالم و بانشاط، قانون‌مدار و نظم‌گرا و آماده ورود به زندگی شایسته فردی، خانوادگی و اجتماعی براساس معیارهای نظام اسلامی.

چکیده اهداف، آن‌که، تربیت‌یافته، باید دین اسلام را حق بداند و آن را به‌عنوان نظام معیار بشناسد و به آن باور داشته باشد و با آگاهی، آزادی، شجاعت و فداکاری برای تکوین و تعالی خود و دستیابی به مرتبه‌ای از حیات طیبه و استقرار حکومت عدل جهانی مهدوی بکوشد و به رعایت احکام و مناسک دین و موازین اخلاقی آن مقید باشد.

یافته‌های پژوهش

۱- بیانات امام خمینی رحمت‌الله‌علیه

امام خمینی رحمت‌الله‌علیه با تکیه بر آموزه‌های اسلامی و قرآنی، طاغوت و تفکر طاغوتی را نفی کرد و با برپایی نظام مردم سالاری دینی، آحاد ملت را به بازنگری در هویت اسلامی خودشان فراخواند. واژه‌های استقامت، پایداری، مقاومت و ایستادگی بارها در کلام امام خمینی رحمت‌الله‌علیه به کار رفته که این امر، حاکی از توجه ایشان به مسئله‌بیداری و قیام اسلامی است و در ذیل بیان می‌گردند:

۱-۱. عزت نفس

امام خمینی رحمت‌الله‌علیه دارای اراده‌ای پولادین و اعتمادبه‌نفس کامل بود و به درستی راه خود اطمینان داشت. دلیری و جرأت امام خمینی رحمت‌الله‌علیه، به الگویی برای نخبگان و توده‌ها تبدیل شد و در آفرینش روحیه انقلابی و گسترش آن که یکی از شرایط اصلی وقوع و تداوم انقلاب است، بسیار تأثیر کرد. امام خمینی رحمت‌الله‌علیه هم، پیش از آغاز حرکت نهایی انقلاب که از ۱۹ دی ۱۳۵۶ آغاز شد و هم در جریان حرکت انقلاب در سال‌های ۵۶ و ۵۷، این قاطعیت را نشان دادند. در مرحله پایانی، برخی از مقامات سیاسی رژیم پهلوی، درخواست ملاقات با امام خمینی رحمت‌الله‌علیه داشتند؛ اما، امام روی این نکته ایستادگی می‌کردند که چون حکومت پهلوی، غیرقانونی است؛ آنان، اول باید استعفا بدهند تا ملاقات صورت بگیرد. از جمله سید جلال تهرانی رئیس شورای سلطنت، پس از استعفا، توانست با امام خمینی رحمت‌الله‌علیه ملاقات نماید (یزدی، ۱۳۶۸: ۱۳۶).

۲-۱. خداباوری

ماکس وبر به درستی، اهمیت وجود رهبری فرهمند را برای جنبش‌های کارزوماتیک بیان کرده است. یک رهبر فرهمند، اهداف و مأموریت خود را، مسائل و خواسته‌های مادی برای خود و پیروانش قرار نمی‌دهد. هدف او، دنیا و خواسته‌ها و ارزش‌های مادی و اقتصادی نیست. ماکس وبر می‌نویسد: «برای این‌که همگان به مأموریت خود وفادار بمانند، رهبر و مریدان و پیروان نزدیک او باید از تعلقات و اشتغالات معمولی این دنیا آزاد باشند» (Weber, 1978: 113).

امام خمینی رحمت‌الله‌علیه و پیروان مورد تأیید ایشان طی مبارزه، چنین خصلتی را در عمل به‌نمایش گذاشتند. ایستادگی همراه با پیروزی ملت ایران هم به‌خاطر ایمان به خدا و مبادی اسلام بود. ایمان قوی چنان توانی به انسان می‌بخشد که انسان را قادر می‌سازد در مقابل قدرت‌های مادی و توطئه‌های آن‌ها ایستادگی کند:

«خداوندا تو میدانی مردم ما مشکلات را به جان و دل خریده‌اند و از هیچ چیزی غیر تو ترس و بیم ندارند و تمام زجرها و دردها را تحمل می‌کنند، همه پیروزی‌ها را از آن تو و به عنایت تو می‌دانند. پس، ما را به عنایت دوباره خود همراهی نما و دل‌های ملت ما را به نصر و پیروزی خود امیدوارتر ساز... و توان و صبر و استقامت ما را در تحمل سختی‌ها و مشکلات افزون نما و نعمت رضایت در شکست و پیروزی را به ما ارزانی فرما» (امام خمینی رحمت‌الله‌علیه، ۱۳۷۸، جلد ۲۰: ۳۴۷).

۳-۱. خودباوری در پرتو اتحاد و همدلی

امام خمینی رحمت‌الله‌علیه با استشهد به آیه ۱۱ سوره مبارکه رعد مبنی بر این‌که: خدا حال قومی را تغییر نمی‌دهد تا آنان حال خود را تغییر دهند، تغییر نظام حاکم بر یک ملت را در گرو فرهنگ و روحیه حاکم بر آن ملت می‌دانند و می‌فرمایند: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» یک واقعیتی است و دستوری؛ واقعیت به‌این‌معناکه تغییراتی که در یک ملت، یک قوم حاصل بشود؛ این، سرچشمه تغییرات تکوینی، تغییرات جهانی، تغییرات موسمی می‌شود و دستور است به این‌که تغییراتی که شما می‌دهید، تغییراتی باشد که به نفع شما باشد» (امام خمینی رحمت‌الله‌علیه، ۱۳۷۸، جلد ۱۰: ۱۲۸).

خداوند سرنوشت ملتی را تغییر نمی‌دهد؛ مگر این‌که، ملت، خودشان را تغییر بدهند. اگر ملتی روحیه شهادت طلبی، فداکاری، جانفشانی در راه هدف و آمادگی برای جلوگیری از ظلم و ستم داشت و سلطه بیگانه را مایه ذلت و ننگ خود دانست، این ملت، سرنوشتش تغییر می‌کند و نظام حاکم بر او هم تغییر می‌کند و اگر ملتی بی‌تفاوت باشد، روحیه ذلت‌پذیری پیدا می‌کند. سرنوشت او هم محکوم به این‌است که تحت سلطه ظالم قرار بگیرد؛ بنابراین، ملتی که تحول روحی پیدا می‌کند و درصدد دفع ظلم و ذلت برمی‌آید، نمی‌تواند به پیروزی برسد؛ مگر این‌که، به وحدت و همبستگی و همدلی برسد و در این راه پایدار شده باشد. امام خمینی رحمت‌الله‌علیه در ادبیات‌شان، به این مهم توجه داشتند: «اگر ما، دست به دست هم ندهیم،

همه‌مان با هم نباشیم، زمین‌مان خواهند زد. مجلس را زمین می‌زنند. دولت را زمین می‌زنند همه زمین می‌خورند. پس، عقل اقتضا می‌کند که ما الآن مشکلات را تحمل کنیم» (همان، جلد ۱۸: ۲۵۴).

۴-۱. ایجاد تحول روحی و زنده‌نگه‌داشتن روح ایمان

ملتی که زندگی شرافتمندانه را هرچند باوجود مشکلات و سختی‌ها بر زندگی ننگین و بردگی اجانب ترجیح داد، به تحول روحی رسیده است. براساس این تحول روحی، تحمل بسیاری از تلخی‌ها و ناکامی‌ها برای آن ملت راحت و شیرین خواهد بود. این تحول برای ملت ایران نیز پیدا شد؛ تحولی که در ملت ایران ایجاد شد، همان هجرت به سوی حق و هجرت از خود به خدا بود. این، یعنی پشت به انانیت خود کردن و به رحمت الهی روی آوردن. اگر ملت این نیروی خدایی را حفظ کند، پیروز خواهد بود: «خدا به ما تفضل کرد، ترحم کرد و این تحول حاصل شد و تا این مطلب هست این تحول هست... از هیچ چیز نترسید» (همان، جلد ۱۷: ۱۵۰). امام خمینی رحمت‌الله‌علیه در کلام دیگری هم به این تداوم و تحول روحی اشاره کرده‌اند: «قیام شما برای خدا بود... امر اول را که فرموده‌اند قیام کنید برای خدا اطاعت کردید. باقی مانده است امر دوم... استقامت کنید این قیام را حفظ کنید. این تحول روحی که برای شما ملت حاصل شده است حفظ کنید. استقامت کنید... تا پیروز شوید» (همان، جلد ۷: ۴۹۳-۴۹۴) و تأکید می‌کنند: «قوی باشید، برومند باشید و از هیاهوی دنیا هیچ‌وقت به خودتان هراس راه ندهید. این مسائل در صدر اسلام هم بوده است. این هیاهوها و بساطی که مخالفین در صدر اسلام راه می‌انداختند، در زمان خود پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و بعدها، همیشه بوده است؛ از این‌رو، خداوند، امر فرموده است که ما مستقیم باشیم، استقامت کنیم و اگر چنانچه، استقامت کنیم، مؤید به تأییدات الهی هستیم» (همان، جلد ۱۸: ۴۳۹).

۵-۱. بیداری اسلامی

بیداری اسلامی، پدیده‌ای اجتماعی به معنای بازگشت بیداری، هوشیاری و خودباوری به امت اسلامی است تا به اسلام، و کرامت و استقلال سیاسی، فرهنگی و فکری خود در برابر فرهنگ وارداتی از غرب یا شرق مباهات کنند (القطان، ۱۳۸۴: ۳۷۱). این مؤلفه، یکی از آن موارد بسیار مهم هر قیامی است که دشمن با آگاهی و شناخت نسبت به کارکرد حیاتی آن، درصدد تضعیف

و نابودی آن است: «در تاریخ، در این سده‌های آخر، کوشش شده است که ملت‌های جهان‌سوم خواب باشند، غافل باشند و توجه‌شان به شخصیت خودشان نباشد و شخصیت خودشان را اصلاً وابسته به غیر بدانند» (امام خمینی رحمت‌الله‌علیه، ۱۳۷۸، جلد ۱۳: ۵۳۱).

براین اساس است که امام خمینی رحمت‌الله‌علیه به ملت‌ها توصیه می‌کند، اگر قیام‌ها با بیداری و هوشیاری همراه باشد، پیروز خواهد شد: «بیدار بشوید... برخیزید و در مقابل ابرقدرت‌ها بایستید؛ اگر ایستادید، این‌ها هیچ‌کاری نمی‌توانند بکنند» (همان، جلد ۱۶: ۳۷-۳۸).

۱-۶. استقامت

امام خمینی رحمت‌الله‌علیه براین باورند: «ملتی که بخوهد شرافت خودش را حفظ کند، اسلام را که مبدأ همه شرافت‌هاست بخوهد حفظ کند؛ این ملت، باید علاوه بر جهاد، استقامت در جهاد داشته باشد» (همان، جلد ۱۳: ۴۶۳).

«استقامت، معنایش این است که اگر گرفتاری‌هایی پیدا شد در جهاد، اگر در جنگ‌هایی که پیش می‌آید برای یک ملتی که می‌خواهد شرافتمند باشد... در مشکلات سستی نکند. این، امر خداست. خدای تبارک و تعالی که دفاع را بر همه ملت و بر همه مسلمین واجب کرده است؛ همان‌که امر فرموده است که دفاع کنید، به همه ملت‌ها امر فرموده است که پایدار باشید، استقامت کنید» (همان، جلد ۱۳: ۴۶۳-۴۶۴).

۱-۷. نهراسیدن از دشمن

در منظومه فکری امام خمینی رحمت‌الله‌علیه بیان شده است: «مردمی که بدون ترس از غوغای زیادی خواهان و قدرت‌طلبان و با ایستادگی بر سر خواسته‌های به حق خود، در مسیر مبارزه روبه جلو گام بردارند و به عنایات خداوند سبحان امید داشته باشند، به طور حتم پیروز خواهند بود» (همان، جلد ۱۴: ۶۰)، و می‌فرماید: «پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و ائمه هدی علیهم‌السلام در چه غربت‌هایی برای دین حق و امحای باطل، استقامت و ایستادگی نموده‌اند و از تهمت‌ها و اهانت‌ها و زخم‌زبان‌های ابولهب [ها] و ابوجهل‌ها و ابوسفیان‌ها نهراسیدند و در عین شدیدترین محاصره‌های اقتصادی در شعب ابی‌طالب، به راه خود ادامه دادند و تسلیم نشدند و با تحمل هجرت‌ها و مرارت‌ها در مسیر دعوت حق و ابلاغ پیام خدا و حضور در جنگ‌های پیاپی و

نابرابر و مبارزه با هزاران توطئه و کارشکنی، به هدایت و رشد همت گماشته‌اند» (همان، جلد ۲۰: ۳۴۵-۳۴۶).

۸-۱. اهداف و راه‌کارهای دشمن در ضدیت با امت و امام خمینی رحمت‌الله‌علیه

دشمن، از مقابله با اندیشه‌های امام خمینی رحمت‌الله‌علیه و جلوگیری از گسترش حوزه نفوذ اندیشه‌های ایشان، اهداف خاص خود را دارد که عبارت‌انداز:

۱. تضعیف و تخریب باورهای دینی یا هویت دینی نظام اسلامی؛
۲. تضعیف ارکان نظام اسلامی؛
۳. القای ناکارآمدی نظام مردم‌سالار دینی؛
۴. جدایی دین از سیاست؛
۵. شکست و به نابودی کشاندن اسلام و نظام اسلامی (عیسی‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۴۰).

دشمن برای نیل به این اهداف، راه‌کارهایی را نیز مدنظر دارد که عبارت‌انداز:

۱. تحقیر فرهنگ اسلامی از راه القای خودباختگی، ترویج اسلام آمریکایی، محو آثار دیانت و ضربه‌زدن به اسلام به نام اسلام؛
۲. استفاده از روش‌های گوناگون تبلیغی، جنگ روانی، شایعه‌سازی، فریب و تحقیر، بهانه‌جویی، اشکال‌تراشی و ایرادگیری، شخصیت‌سازی، رواج فرهنگ راحت‌طلبی، جریان‌سازی و نشر اکاذیب و وارونه جلوه‌دادن حقایق؛
۳. ترویج آزادی وارداتی؛
۴. نفوذ در سازمان‌ها و مراکز علمی و سیاسی؛
۵. تفرقه‌افکنی میان مردم، میان مسئولان و میان مردم و مسئولان؛
۶. ایجاد ناامنی و هرج و مرج در کشور؛
۷. سوءاستفاده از ابزارهای فرهنگی در شکل‌دهی به باورهای نادرست و پی‌افکندن هویتی بی‌ریشه میان نسل جدید (همان: ۱۴۰-۱۴۱).

امام خمینی رحمت‌الله‌علیه نیز در سخنان و سیره عملی خویش، ملت را به این مهم هشدار داده و توصیه‌هایی نموده‌اند: «این طبیعت افکار فاسد بشر است که باید به هر وسیله خار راه را از سر راه برداشت؛ و یک وسیله بزرگ علاوه بر وسایل نظامی و اقتصادی و قضایی، همان بُعد

فرهنگی است. فرهنگ فاسد غرب و شرق اقتضا می‌کند که با وسایل عظیمی که در دست دارند، در تمام ساعات روز، به دروغ‌پردازی و تهمت و افترا بر فرهنگ الهی اسلام بتازند و در هر فرصتی، قوانین الهی جمهوری اسلامی و اصل اسلام را بکوبند و وابستگان به آنرا، مرتجع کهنه‌پرست و فاقد شعور سیاسی بخوانند و قوانین اسلام را کافی برای این زمان ندانند. به بهانه آنکه، قوانینی که هزار و چهارصد سال بر آن گذشته، قدرت اداره امور را ندارند» (امام خمینی رحمت‌الله‌علیه، ۱۳۷۸، جلد ۲۰: ۴۴۱).

۹-۱. ایران (أم‌القرای جهان اسلام)

اندیشه جهان اسلام و مقابله با دشمنان اسلام، به هیچ‌وجه به معنای عبور از هویت ملی و سرزمینی تلقی نمی‌گردد؛ بلکه، حفظ ایران به‌عنوان أم‌القرای جهان اسلام، هدف اصلی مسئولان نظام اسلامی بود و هست.

امام خمینی رحمت‌الله‌علیه در همان آغاز جنگ، در پنجم مهرماه ۱۳۵۹، خطاب به ملت ایران فرمودند: «میهن از جان عزیزتر ما، امروز منتظر است تا یکایک فرزندان خود را برای نبرد با باطل مهیا سازد. ما برای میهن عزیزمان تا شهادت یکایک سلحشوران ایران زمین، مبارزه می‌کنیم» (همان، ۱۳۷۰، جلد ۱۳: ۹۸). ایشان، در بیانی دیگر، ضمن طرح تأثیر جنگ بر کشور می‌فرمایند: «ما در جنگ، حس برادری و وطن‌دوستی را در نهاد یکایک مردم بارور کردیم» (همان، جلد ۲۱: ۹۴).

۲- عاشورا

به‌صراحت می‌توان گفت، دین و مذهب، مهم‌ترین الهام ادبیات معاصر ایران است و کربلا، الهام‌بخش‌ترین نهاد دینی در حیات مذهبی ملت ایران، به‌ویژه در دوران انقلاب و دفاع مقدس بوده و البته، هنوز هم چنین است؛ به‌گونه‌ای که نظریه‌پردازان و متفکران متعهد در پرتو دین، کربلا و عاشورا به تبلیغ جوان‌مردی، شجاعت و مقاومت در برابر شرارت پرداخته‌اند (امیری‌خراسانی، ۱۳۸۷: ۱۳).

شهید مطهری در میان متفکران منتسب به انقلاب اسلامی، جایگاه منحصر به فردی را دارد و چون بیان ادیبانه‌ای داشت، اهل قلم به‌ویژه شاعران، از او تأثیر گرفتند و منظومه انقلاب به‌تأسی از او، بیش از هر زمان دیگری به مفاهیم ارزشی و حماسی قیام امام حسین علیه‌السلام رجوع

کرد و کربلا و اسوه‌های آن را الگوی مبارزه قرار داد (سنگری، ۱۳۸۰، جلد ۲: ۳۱-۳۳). استاد مطهری در همین زمینه بیان می‌دارند: «حادثه عاشورا و تاریخچه کربلا دو صفحه دارد: یک صفحه سفید و نورانی و یک صفحه تاریک، سیاه و ظلمانی که هر دو صفحه‌اش یا بی‌نظیر است و یا کم‌نظیر؛ اما، صفحه سیاه و تاریکش از آن نظر سیاه و تاریک است که در آن، فقط جنایت بی-نظیر و یا کم‌نظیر می‌بینیم. جرأت نمی‌کنم که بگویم حادثه کربلا از نظر زیادی جنایت، نظیر ندارد، چون توجه من یکی به جنگ‌های صلیبی و جنایت‌هایی است که مسیحی‌ها در آن مرتکب شدند و یکی هم به جنایت‌هایی است که همین اروپایی‌ها در اندلس اسلامی مرتکب شدند که آن هم، عجیب است. شرقی هرگز از نظر جنایت به پای غربی نمی‌رسد. شما اگر تمام تاریخ مشرق‌زمین را مطالعه کنید، دو جنایت را حتی در دستگاه اموی پیدا نمی‌کنید: یکی آتش‌زدن زنده‌زنده و دیگری قتل‌عام کردن زنان. ولی، در تاریخ مغرب‌زمین، این دو نوع از جنایت، فراوان دیده می‌شود. این جنایت که در صحرای سینا، ده‌ها هزار سرباز را آب و نان ندهند تا از گرسنگی بمیرند، برای این‌که اگر اسیر بگیرند، باید به آن‌ها نان و آب بدهند، فقط، از عهده غربی‌ها برمی‌آید. شرقی، این جور جنایت نمی‌کند. یهودی فلسطینی، صددرجه شریف‌تر از یهودی غربی است. اگر مردم فلسطین، یهودی‌های ملی اهل همان فلسطین بودند که این قبیل جنایت‌ها واقع نمی‌شد. این جنایت‌ها، همه از جانب یهودی غربی بر ملت مسلمان فلسطین تحمیل می‌شود. به هر حال جرأت نمی‌کنم بگویم جنایتی مثل جنایت کربلا در دنیا وجود نداشته است؛ ولی، می‌توانم بگویم در مشرق‌زمین، وجود نداشته است. از این نظر، حادثه کربلا، یک جنایت، تراژدی و مصیبت است که وقتی این صفحه از تاریخ را نگاه می‌کنیم، در آن کشتن بی‌گناه، جوان و شیرخوار می‌بینیم، اسب بر بدن مرده تاختن می‌بینیم، آب‌ندادن به یک انسان می‌بینیم، زن و بچه را شلاق‌زدن و اسیر بر شتر بی‌جهاز سوار کردن، می‌بینیم. از این نظر، قهرمان حادثه کیست؟ واضح است، وقتی که حادثه را از جنبه جنایی نگاه می‌کنیم، آن‌که می‌خورد، مسلماً قهرمان نیست، بلکه، او بیچاره و مظلوم است. قهرمان حادثه در این نگاه، یزید بن معاویه، عبیدالله بن زیاد و عمر سعد هستند. پس، اگر بخواهیم شعر بگوییم باید مرثیه بگوییم و غیر مرثیه چیز دیگری نیست که بگوییم؛ اما، آیا تاریخچه عاشورا فقط همین یک صفحه است؟ آیا فقط رثا و مصیبت است و چیز دیگری نیست؟ اشتباه ما همین است. این تاریخچه، یک صفحه دیگر هم دارد که قهرمان آن صفحه، دیگر پسر معاویه و زیاد و سعد

نیستند؛ در آنجا، قهرمان، امام حسین علیه السلام است. در آن صفحه، دیگر جنایت و تراژدی نیست؛ بلکه، حماسه، افتخار و نورانیت است. تجلی حقیقت، انسانیت و حق پرستی است. آن صفحه را که نگاه می‌کنیم، می‌گوییم بشریت حق دارد به خودش ببالد. (بله) امام حسین علیه السلام را یک روز کشتند و سر از بدنش جدا کردند؛ اما، امام علیه السلام که فقط، این بدن نیست؛ او، یک مکتب است و بعد از مرگش زنده‌تر می‌شود» (مطهری، ۱۳۸۱، جلد ۱: ۱۸-۲۰).

۳- شهادت

پاسداری از خون شهدا و زنده‌نگاه داشتن نام و یاد آن‌ها، یک تکلیف است و تبلیغ فرهنگ شهادت و ایثار می‌تواند، اهمیت زیادی در پرورش نسل‌ها داشته باشد. بازتاب این آشنایی و شناخت، جامعه را از پیامدهای مثبت روحیه از خودگذشتگی و دورشدن از خودخواهی‌ها برخوردار می‌کند و امکان بهره‌مندی جامعه از ذخایر معنوی و آثار وجودی فرهنگ ایثار و شهادت میسر می‌گردد (مختاری‌پور و همکاران، ۱۳۸۵: ۴۰۶).

تکرار واژه شهید و شهادت در قرآن، حاکی از اهمیت و جایگاه الای آن در اسلام دارد. در آیه‌های ۱۹ سوره حدید، ۶۹ سوره نساء و ۶۹ سوره زمر، واژه شهدا آمده است و در آیه ۷۲ سوره نساء، واژه شهید ذکر شده است. در این آیه‌ها، خداوند به مقام و جایگاه الای شهیدان اشاره می‌کند و آنان را در ردیف پیامبران و صدیقان و نیکوکاران قرار می‌دهد و حتی پاداش مؤمنان به خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله را مانند پاداش شهیدان در نظر می‌گیرد. این سخن، نشان می‌دهد که مقام شهدا، بسی والاتر و برتر از دیگر کسانی است که به جهت ایمان‌شان، مورد لطف و رحمت خداوند هستند. اینان، وارستگانی هستند که به دلیل رضای خدا، از جان خویش درگذشتند و آن‌را در راه خدا نثار کردند و خداوند نیز، این بندگان را دوست دارد (بقره: ۲۰۷) و درود و سلامش را بر آنان می‌فرستد (بقره: ۱۵۷-۱۵۶).

جهاد در راه خدا (توبه: ۱۱۱)، وفاداری به عهده‌ای است که با خدا بسته‌اند (احزاب: ۲۳)؛ رانده شدن از دیار و تحمل رنج و محنت (آل عمران: ۱۹۵)، جلب رضایت و خشنودی خداوند با دورماندن از خانه و کاشانه خویش (حج: ۵۸)، ویژگی‌هایی است که تنها از عهده مؤمنانی پاکبخته و بااخلاص برمی‌آید و خداوند نیز، وعده داده است که هرگز رنج آن‌ها ضایع نمی‌شود و سعادت و هدایت، نصیب آنان خواهد شد (محمد: ۴-۶). درنهایت، خداوند مردن یا

کشته شدن در راه خدا را بر زندگی و نعمت‌های این جهان، برتر می‌شمرد و آمرزش و رحمت خود را پاداش چنین کاری می‌داند (آل عمران: ۱۵۷).

شهید، عاشقانه تمام سختی‌ها را به جان می‌خورد و از همه چیز و همه کس، دست می‌شوید و آنچه را دارد، رها می‌کند و بالاترین گوهر ارزشمند خویش را که همانا جان است، در طبق اخلاص می‌گذارد و به سوی حق تسلیم می‌کند. شهید، گام در راهی می‌نهد که آگاهانه برگزیده است و این انتخاب آگاهانه، وی را جاودانه می‌سازد و به کاری که انجام داده رنگ و بوی ابدیت می‌دهد. شهید، به عنوان یک نمونه و سرمشق در جامعه، حضوری همیشگی دارد و به همین جهت، به اعتقاد برخی از محققان، خداوند وی را در شمار پیامبران و صالحان قرار می‌دهد (نساء: ۶۹).

در نظریات جامعه‌شناختی، به زندگی سعادت‌مندان دنیوی و اخروی و بعضی دیگر از ارزش‌های مربوط، مانند خوشبختی، آزادی و امنیت، ارزش‌های غایی و ارزش‌های سطح پایین‌تر را که برای رسیدن به ارزش‌های غایی ضرورت دارد، ارزش‌های ابزاری یا وسیله‌ای می‌نامند. در واقع، ارزش‌های ابزاری، وسیله‌ای برای یک هدف یا ارزش برتر هستند، در صورتی که، ارزش‌های غایی، ذاتاً خوب تلقی شده و هدف نهایی محسوب می‌شوند (چلبی، ۱۳۷۵: ۶۰). به عبارت دیگر، ارزش‌های اجتماعی، از نظر اهمیت یکسان نیستند و برخی، اولویت بر سایرین دارند؛ به طوری که، یک سلسله مراتب و یا نظام ارزشی را می‌سازند (رفیع‌پور، ۱۳۷۸: ۲۷۰).

روکیچ، نظام ارزش‌ها را همانند یک ساختار پایداری می‌داند که دوام و استمرار قابل توجهی داشته و به راحتی تغییر نمی‌کند. او نیز، ارزش‌ها را به ارزش‌های غایی و ارزش‌های ابزاری تقسیم می‌کند. وی، ارزش‌هایی را که به شیوه‌های رفتاری اشاره دارند، ارزش‌های ابزاری و آن ارزش‌هایی را که بر حالت‌های غایی تأکید دارند، ارزش‌های غایی می‌نامد. وی، ارزش‌های غایی را نیز، به دو دسته تقسیم می‌کند:

۱. ارزش‌هایی که بر بعد فردی تمرکز دارند، مانند رستگاری و هماهنگی و انسجام درونی؛
۲. ارزش‌هایی که بر بعد اجتماعی دلالت دارند، مانند صلح جهانی و دوستی واقعی در بین مردم» (فرامرزی، ۱۳۷۸: ۱۱۱).

روکیچ، در مقیاس ارزش‌های غایی از آزادی، برابری، خوشبختی و احساس موفقیت و در مقیاس ارزش‌های ابزاری از بخشندگی، صداقت، پاکیزگی و مهربانی نام می‌برد (همان: ۱۱۳).

براساس مباحث بالا، ارزش‌های مطرح‌شده در حوزه شهادت را می‌توان به ارزش‌های غایی و ابزاری تقسیم کرد. از جمله مهم‌ترین ارزش‌های غایی شهادت در دفاع مقدس عبارت‌انداز:

۱. رسیدن به سعادت ابدی و تحقق وعده‌های الهی؛
۲. پیروزی حق بر باطل؛
۳. افتخار به فرهنگ شهادت‌طلبی و مرگ سرخ؛
۴. استقلال و آزادی ملت‌های مسلمان از جمله فلسطین؛
۵. پیروزی ایران در دفاع مقدس؛
۶. شکست و نابودی دشمن بعثی به‌عنوان عامل آمریکا؛
۷. دستیابی به سعادت حقیقی و عروج الهی؛
۸. جاودانگی شهید و زنده‌نگاه‌داشتن یاد و خاطره شهیدان؛
۹. شهادت‌طلبی رمز پیروزی و شکست توان دشمن؛
۱۰. تقدس و پاکی خون شهیدان و درودفرستادن بر آن‌ها.

همچنین، ارزش‌هایی وجود دارند که می‌توان و می‌ارزد برای آن‌ها حتی به‌قیمت جان مبارزه کرد:

۱. تأیید و تأکید بر راه شهیدان و ادامه آن؛
۲. جهاد و شهادت در راه خدا، اسلام، قرآن، رهبر و مردم؛
۳. جهاد و شهادت برای حفظ و صیانت از آرمان‌های جنبش‌های آزادی‌خواه مقاومت و انقلاب اسلامی و حقانیت آن‌ها؛
۴. برتری خون شهیدان بر سلاح دشمن.

۳-۱. پیروزی خون بر شمشیر

دوران دفاع مقدس را می‌توان مرحله دوم انقلاب اسلامی و مکمل فرآیند انقلاب دانست. باتوجه‌به نقش اساسی رهبری در پیروزی انقلاب و ارتباط دفاع مقدس و انقلاب، در واقع، دفاع مقدس صورتی به‌شدت دینی و اسلامی داشت. از این‌رو، این جنگ با دیگر جنگ‌های معمول

متفاوت بود. تفاوت در کمیت و کیفیت نیروها، تفاوت در اهداف، اصل شهادت‌طلبی و پیروزی را در قالب ظاهری آن ندیدن و بسیاری موارد دیگر که در دفاع مقدس از ابداعات محسوب می‌شد، باعث شده بود که صحنه‌هایی در هشت سال دفاع مقدس به وجود آید که در جنگ‌های معمولی کمتر دیده می‌شود (رحیمی، ۱۳۸۷: ۱۱۳).

امام خمینی رحمت‌الله‌علیه با توجه داشتن به قیام و شهادت امام حسین علیه‌السلام چند روز قبل از شروع جنگ، چنین فرموده بودند: «با اوضاع فعلی جهان، این یک استثنا تاریخی است که با مرگ و شهادت و شکست، مطمئناً هدف ما شکست نمی‌خورد» (امام خمینی رحمت‌الله‌علیه، ۱۳۷۰، جلد ۱۳: ۸۴). در کنار امام خمینی رحمت‌الله‌علیه بسیاری از فرماندهان و شهدای دفاع مقدس نیز، به‌مرور زمان به خاطرات ارزشی و الگوهای عملی رزمندگان تبدیل می‌شدند. شهدایی نظیر فهمیده، همت، باکری، جهان‌آرا و علم‌الهدی به‌مرور در زمره فرهنگ دفاع مقدس و شهادت قرار گرفتند. این‌ها، در فرهنگ رزمندگان ما در مقام الگو و سرمشق به اسطوره‌هایی نظیر حر و مالک‌اشتر تشبیه می‌شدند (نبوی، ۱۳۸۲: ۲۹-۳۷).

با این حساب، در دفاع مقدس، ایجاد روحیه شهادت‌طلبی و ایثار به دلیل فضای معنوی جبهه‌ها امری طبیعی به نظر می‌رسد و بهره‌گیری نظام و در رأس آن امام خمینی رحمت‌الله‌علیه از مفاهیمی نظیر عاشورا و رهروان عاشورا در حد اعلی می‌توانست رزمندگان را به گذشتن از جان خویش در راه حفظ و صیانت از انقلاب اسلامی رهنمون سازد. جیمز بیل در تحلیل خود از دفاع مقدس می‌گوید: «مردم ایران در مبارزه برای دفاع از کشور، مذهب، رهبر و انقلاب بارها تمایل خود را به آخرین حد از ایثار یعنی پذیرش مرگ در صورت لزوم، نشان داده‌اند. در این مفهوم فرهنگی، قدرت گذشتن از جان خود، گاهی اوقات می‌تواند تواناتر از قدرت کشتن باشد» (بیل، ۱۳۶۷: ۴۲۰).

سخن جیمز بیل در واقع ترجمه این جمله نمادین در انقلاب اسلامی است که «خون بر شمشیر پیروز است». وی، در بررسی نقش حیاتی روحیه شهادت‌طلبی در مقاومت نیروهای ایرانی از سخن ژنرال جورج مارشال کمک می‌گیرد که زمانی گفته بود: «می‌توان تمام تجهیزات موجود در جهان را در اختیار داشت؛ اما، همه آن، بدون برخورداری از روحیه، عمدتاً بی‌اثر است» (همان: ۴۲۳).

در تکمیل سخن مارشال، باید گفت که در میادین جنگی، حرف آخر رزمندگان ایرانی در نوع مقاومت و فداکاری، نشأت گرفته از هویت دینی و مذهبی آن‌ها بود. آنتونی کردزمن از فداکاری نیروهای نامنظم ایران به‌عنوان علت اصلی پیشرفت عملیات‌های جنگی ایرانیان یاد می‌کند. به اعتقاد وی، شهادت‌طلبی با هدایت و پیشرفت جنگ ایران مترادف بود. او می‌گوید: «دقیقاً، مشخص نیست که تأثیر حملات امواج انسانی بیشتر است یا تجهیزات پیشرفته... در جنگ رژیم بعث عراق علیه ایران، اغلب حملات امواج انسانی علیه نیروهای این رژیم موفقیت را به‌همراه آورد» (ولی‌پور، ۱۳۸۳: ۲۷۷).

۲-۳. شهیدان عارف

اسلام، اصلی‌ترین آبخشور عرفان انقلاب و جنگ است و دین هم عناصری مانند شهادت دارد که در مکتب‌های عرفانی نمود پیدا کرده است؛ زیرا، هدف نهایی در هر دو، یکی است؛ عرفا می‌خواهند به خداوند واصل شوند، شهید هم می‌خواهد به خدا واصل شود. البته، زیبایی و سهولت رسیدن انسان از طریق شهادت به خداوند بیشتر از عرفان است. در هر صورت، موضوع شهادت در فرقه‌های عرفانی، معنا و مفهوم داشته است. باین‌حال، شهادت را به‌جان‌خریدن، نیازمند شجاعت است و این شجاعت، یک نوع عرفان سرخ است؛ عرفان شجاعانه‌ای که به‌شرط ریختن خون، سالک (رزمنده) را به هدف نهایی‌اش می‌رساند.

وقتی به دنبال رسیدن به هدفی هستید، باید بهای آن را بپردازید. برای پیروزی انقلاب اسلامی باید عده‌ای از جان می‌گذشتند. در جریان دفاع مقدس هم، باید دوباره این خون داده می‌شد تا از میهن و مردم حراست شود، انعکاس این دو واقعه تاریخی و بهایی که برای آن پرداخته شد، در تاریخ معاصر به‌ویژه ادبیات جنگ انعکاس قابل ملاحظه‌ای دارد.

البته، عرفانی که در ادبیات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس مورد نظر است، به آن شکل نیست که رزمندگان، مشق جنگ را به‌کناری گذاشته و به‌سراغ سیروسلوک رفته باشند؛ آن‌گونه که در عرفان نظری و کلاسیک مطرح است؛ ولی، نماز شب‌هایی که در جبهه‌ها خوانده می‌شد، چیزی جز سیروسلوک و تقویت سویه معنوی رزمندگان نبود. درحقیقت نوع سیروسلوک رزمندگان و شهدای دفاع مقدس با آن چیزی که ما، از قبل و به‌پشتوانه آثار عرفانی ادبیات فارسی می‌شناختیم، حتماً، متفاوت بوده است. شهدای دفاع مقدس نسبت به شهدای عارف

برتری دارند و این برتری به نوع سلوکشان در میدان جنگ برمیگشت. بسیاری از شهدای دفاع مقدس، فاصله بین نماز شب تا شهادتشان، تنها به اندازه یک طلوع آفتاب بود.

۴- پشتوانه مردمی

در جنگی که از طرف رژیم بعث عراق و حامیان بین‌المللی آن بر ایران تحمیل شد، ملت ایران متحمل صدمات جانی، روحی و اقتصادی فراوان شدند؛ اما، لحظه‌ای از دفاع در برابر دشمن و مقابله با او پا پس نکشیدند. اکثریت قریب به اتفاق گروه‌های سیاسی کشور نیز، طی اعلامیه‌ها و اطلاعیه‌های گوناگون، هواداران خویش و عموم مردم را به مقاومت در برابر این تهاجم فراخواندند و مقابله در برابر مهاجم را وظیفه‌ای مقدس اعلام کردند (سازمند، ۱۳۸۴: ۶۵).

امام خمینی رحمت‌الله‌علیه نیز، در همان شروع جنگ، بر مسئله دفاع از کشور تا پای جان و نبرد حق علیه باطل تأکید کردند: «خداوندا تو می‌دانی، مردم ما مشکلات را به جان و دل خریدارند و از هیچ چیزی غیر تو ترس و بیم ندارند و تمام زجرها و دردها را تحمل می‌کنند، همه پیروزی‌ها را از آن تو و به عنایت تو می‌دانند؛ پس، ما را به عنایت دوباره خود همراهی نما و دل‌های ملت ما را به نصر و پیروزی خود، امیدوارتر ساز و توان صبر و استقامت ما را در تحمل سختی‌ها و مشکلات افزون نما و نعمت رضایت در شکست و پیروزی را به ما ارزانی فرما» (امام خمینی رحمت‌الله‌علیه، ۱۳۷۸، جلد ۲۰: ۳۴۷).

پراکندگی جغرافیایی شهیدان دفاع مقدس، مهر تأییدی بر این کلام است که ملت ایران، کار دفاع را به‌عنوان وظیفه‌ای حیاتی و سرنوشت‌ساز پذیرفته‌اند و جنگ را تا جایی ادامه دادند که منجر به شکست ارتش بعثی عراق و پذیرش مسئولیت تجاوز به ایران از سوی این رژیم گردید.

امید به نسل انقلابی فردا

تربیت انقلابی کودکان و آماده‌ساختن آنان برای نبرد فرداها، یکی از راهبردهای آینده‌نگر جبهه حق در جنگ با شرارت است که از سوی طراحان، بانیان و مبلغان جنبش‌های انقلابی به‌ویژه اصحاب قلم و اندیشه دنبال می‌شود. در ایران نیز، از همان اوایل شروع نهضت یعنی سال ۱۳۴۲ هجری شمسی، به این مهم توجه شد.

بازجویی در زندان، از امام خمینی رحمت‌الله‌علیه سؤال کرده بود تو با کدام سربازت می‌خواهی با شاه بجنگی؟ امام خمینی رحمت‌الله‌علیه فرموده بودند: سربازهای من، اکنون در گهواره هستند (فکوری، ۱۳۸۸: ۲۲-۲۳).

۵- اندیشه انقلابی

انقلاب در نفس خود، دگرخواه است و این خصلت ذاتی آن است؛ چون، حامل آرمان‌های ملی و ایمانی جامعه بشری است و چهره‌ای انسانی و جهانی دارد که محدود به یک سرزمین و یا چارچوب اجتماعی خاص نیست. به عبارت دیگر، انقلاب، فقط به مسائل و مشکلات خود توجه ندارد؛ بلکه، به مبارزه و سرنوشت مردم تحت ستم و سیطره اشغال نیز، نظر دارد (محمدی‌شکیبا، ۱۳۷۸: ۲۲) و همین نیرو است که اندیشمندان انقلابی را به تفکر، کشف، کنجکاوی، حق‌یابی، ابتکار و خلق مادی و معنوی وامی‌دارد؛ به گونه‌ای که کلام آن‌ها، صحنه تبلور روح ایده‌آل‌گرای انسانی می‌شود؛ انسانی که هرگز به تسلیم در برابر وضعی که جهان برایش تدارک دیده، رضایت نمی‌دهد (مطلبی و نادری، ۱۳۸۸: ۱۲۶).

۱-۵. مهدویت نماد آرمان‌شهر شیعی

آرمان‌شهر یا حکومت مهدوی، به اعتقاد شیعه در موعد مقرر تحقق خواهد یافت و اندیشه انتظار که از مستحکم‌ترین عوامل پیشرفت شیعیان است، از همین مفهوم سرچشمه می‌گیرد؛ اندیشه‌ای که بعد از دوران غیبت امام دوازدهم عجل‌الله‌تعالی‌فرجه شیعیان شروع گردیده و تا هم‌اکنون ادامه دارد و هرروز محکم‌تر می‌شود.

«روز ناگزیر» را شاید بتوان محبوب‌ترین و معروف‌ترین شعر انقلاب اسلامی درحوزه انتظار برشمرد. این شعر که در زمرة معدود اشعار بلند قیصر امین‌پور است، در قالب نیمایی و با مطلع «این روزها که می‌گذرد، هر روز *** احساس می‌کنم که کسی در باد فریاد می‌زند» سروده شده است (امین‌پور، ۱۳۸۸: ۲۴۰-۲۳۵).

این شعر، تأکید ویژه‌ای بر آرمان‌های گمشده بشری در تمام دوره‌های تاریخ و در تمام ادیان و مکاتب دارد. شاعر، آن روز را روز تازه پرواز می‌نامد و آشیان کبوترها را صندوقچه نامه‌های سربه‌مهر می‌داند (همان: ۲۳۶). روزی که صلح بر جهان سایه می‌گسترده و کفش‌های

کهنه سربازی در کنج موزه‌های قدیمی با تار عنکبوت گره می‌خورند و خواب در دهان مسلسل‌ها خمیازه می‌کشد (همان: ۲۳۸).

طبق آموزه‌های شیعی، انتظار ظهور، همان انتظار عدل جهانی است؛ زیرا، حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه، تجسم والای عدل است. بی‌نیازی مردم به سبب تحقق کامل عدالت از ممیزه‌های سیره اقتصادی امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه است و او بر تمام روابط و مناسبات ناسالم اقتصادی خط بطلان می‌کشد. استعمار و استثمار به پایان می‌رسد و همگان در رفاه و آسایش زندگی می‌کنند و اموال، به‌وفور در اختیار همگان قرار می‌گیرد. امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه دست به بخششی می‌گشاید که تا آن‌روز، کسی نظیرش را ندیده باشد و زمین را لبریز از عدالت و امنیت و داد و نور می‌کند؛ همان‌گونه که پیش از این، از ستم و بیداد لبریز شده بود. شرق و غرب عالم را آباد می‌سازد. این جامعه آرمانی انسان است که با ظهور عینیت می‌یابد.

شیعه، براساس اعتقاد به وجود امام زنده، خود را تنها نمی‌داند. شیعه، همواره در انتظار ظهور امام خود است، انتظاری سازنده و اثربخش و امیدآفرین و تأثیر روانی این فکر باعث زنده‌نگه‌داشتن امید در دل مؤمنان به آن حضرت عجل‌الله‌تعالی‌فرجه است.

۲-۵. برداشتن فاصله طبقاتی

وجود بی‌عدالتی‌ها، تبعیض‌ها و شکاف طبقاتی در رژیم پهلوی، آرمان‌های اقتصادی را نیز در کنار دیگر آرمان‌های انقلابی قرار داد. جلوگیری از غارت و حیف‌ومیل بیت‌المال به دست خاندان سلطنتی و وابستگان آن‌ها، محرومیت‌زدایی از جامعه و مبارزه با فقر و ایجاد عدالت اقتصادی و کم‌کردن فاصله طبقاتی از جمله این آرمان‌ها بود (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: اصول ۳، ۱۹، ۴۵، ۴۹ و ۵۵).

۳-۵. صدور انقلاب اسلامی

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، ضمن ساقط کردن حکومت استبدادی شاهنشاهی، اساس استکبار و منافع قدرت‌های سلطه‌گر به‌ویژه آمریکا را مورد تهدید قرار داد. اسلام و مردم به عنوان دو عامل اصلی پیروزی انقلاب، ضمن برهم‌زدن نفوذ و اقتدار فزاینده نظام سلطه در ایران و برپایی نظامی مستقل از ابرقدرت‌ها، شرایطی را رقم زدند که ایران اسلامی به‌عنوان کانون بیداری ملت‌ها تبدیل شود (عمران‌درگاهی، ۱۳۸۱: ۷۷).

براساس واقعیت‌های بالا و با در نظر گرفتن ویژگی‌ها و اهداف انقلاب اسلامی که برگرفته از ایدئولوژی اسلامی است و باتوجه به مؤلفه‌های عدم‌اتکا به شرق و غرب، ظلم‌ستیزی و حمایت از مظلوم، نفی سلطه‌پذیری و سلطه‌گری و باتوجه به ضرورت وحدت جهان اسلام و تعارض با نظام ناعادلانه حاکم بر جهان، امام خمینی رحمت‌الله‌علیه ضروری دیدند که اندیشه صدور انقلاب اسلامی را به دیگر کشورها مطرح کنند (فرزندی‌اردکانی، ۱۳۸۶: ۹۷-۹۹) و به همین مناسبت، فرمودند: «ما انقلاب‌مان را، به تمام جهان صادر می‌کنیم» (امام خمینی رحمت‌الله‌علیه، ۱۳۷۸، جلد ۱۲: ۱۴۸).

امام خمینی رحمت‌الله‌علیه با هشدار به کسانی که مخالف صدور انقلاب بودند، این چنین فرمودند: «ما، باید در صدور انقلاب‌مان به جهان کوشش کنیم و تفکر این‌که ما انقلاب‌مان را صادر نمی‌کنیم کنار بگذاریم؛ زیرا، اسلام، بین کشورهای مسلمان فرقی قائل نیست و پشتیبان تمام مستضعفین جهان است. از طرفی دیگر، تمام قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها کمر به نابودی‌مان بسته‌اند و اگر ما در محیطی در بسته بمانیم، قطعاً، با شکست، روبه‌رو خواهیم شد» (همان، جلد ۱۲: ۲۰۲).

در تأکیدی بر کلام بالا، باز چنین فرمودند: «ما، به تمام جهان تجربه‌های‌مان را صادر می‌کنیم و نتیجه مبارزه و دفاع با ستمگران را بدون کوچک‌ترین چشم‌داشتی، به مبارزان راه حق انتقال می‌دهیم و مسلماً، محصول صدور این تجربه‌ها، جز شکوفه‌های پیروزی و استقلال و پیاده‌شدن احکام اسلام برای ملت‌های در بند نیست» (همان، جلد ۲۰: ۳۲۵).

ایشان، باردیگر به‌صراحت، نسبت به صدور انقلاب اسلامی و باورها و ارزش‌های آن، این چنین اعلام موضع کردند: «البته ما، این واقعیت و حقیقت را در سیاست خارجی و بین‌الملل اسلامی‌مان بارها اعلام نموده‌ایم که درصدد گسترش نفوذ اسلام در جهان و کم کردن سلطه جهان‌خواران بوده و هستیم... ما، درصدد خشکانیدن ریشه‌های فاسد صهیونیسم، سرمایه‌داری و کمونیزم در جهان هستیم. ما تصمیم گرفته‌ایم به لطف و عنایت خداوند بزرگ، نظام‌هایی را که بر این سه پایه استوار گردیده‌اند، نابود کنیم و نظام اسلام رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله را در جهان استکبار، ترویج نماییم» (همان، جلد ۲۱: ۸۱).

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

الف) نتیجه‌گیری

فرزندان این مرزوبوم با شناختن شخصیت‌های تأثیرگذار در تاریخ معاصر ایران و شنیدن روایت قهرمانی‌های رزمندگان ایران در صحنه‌های انقلاب اسلامی و دفاع مقدس با سناریوهای رفتاری تازه و کاربردی آشنا می‌شوند. فضای قهرمانی و آرمانی انقلاب اسلامی ایران و به دنبال آن، دفاع مقدس که برگرفته از حقایق ایران معاصر است، آن‌ها را برای عمل به آموخته‌های خود آماده می‌سازد و سرانجام، براساس قانونی شخصی که هرکدام از آن‌ها با برداشت شخصی از پیام انقلاب اسلامی برای خود ساخته‌اند، در موقعیت‌های مشابه با موقعیت‌های انقلابی به سمت رفتارهای موردنظر راوی هدایت می‌شوند.

- در توضیح ساختار آموزشی بالا باید گفت:

۱. مبانی رفتاری و هویتی جامعه و دولت در فرایند انقلاب اسلامی و دفاع مقدس بیش از هرچیز متأثر از عنصری بود که در واقع، مهم‌ترین مؤلفه هویت ملی ما را در زمان حاضر شکل می‌دهد. تنها عاملی که می‌توانست، تمامی ملت را برای مقابله با تهدیدات پیش‌رو و پیش‌برد اهداف انقلاب بسیج نماید، اسلام بود. پس، ایمان به اسلام، محور وحدت و هویت ملی مردم انقلابی ایران گردید.
۲. ملت ایران با انقلاب عظیم خود، همزمان، استبداد و استعمار را رد کرد؛ پس، به‌طور طبیعی، دشمنان بزرگی خواهد داشت؛ زیرا، ویژگی‌های ضد استبدادی و ضد استعماری انقلاب اسلامی عرصه را بر هرگونه سوءاستفاده بیگانگان از ملت ایران تنگ کرد. در یک‌چنین شرایطی، دشمن، با تمام‌قوا تلاش کرد با هر وسیله ممکن، موانع را از پیش پای خود بردارد؛ بنابراین، جنگ تحمیلی را برضد انقلاب اسلامی به راه انداخت و نتیجه، آن شد که حماسه‌سازی به‌پیروی از فضای انقلابی کشور، به‌عنوان بارزترین وجه دفاع مقدس معرفی گردید.
۳. دفاع مقدس، آمیزه‌ای از جنگ، شهادت، ایثار، کرامت و دیگر جلوه‌های نورانی و آرمان‌خواه انسان است و کربلا، تبلور تمامی این جلوه‌ها است. به‌همین جهت، مضامین و کلمات عاشورایی در ادبیات جنگ موج می‌زند. کربلا، مدرسه عشق برای یک رزمنده

مسلمان است. او، درس ایثار و فداکاری را از کربلا آموخته و هرکجا جهاد برای احقاق حقی باشد، آنجا، سرزمین کربلا است.

۴. در وهله دوم بار عاطفی مکان و دلبستگی‌ها و علقه‌های روانی و عاطفی بین ایرانی با زادگاه، بوم و وطن خود سبب شد تا ایران برای او، واجدارزش سیاسی شود و به دنبال آن، حس وطن‌دوستی، عشق‌به‌وطن و سرزمین مادری، انگیزه دفاع و آمادگی مبارزه با متجاوز و جانفشانی در راه وطن، در او پدید آمد.

۵. شهادت، به‌واسطه حمایت و پاسداری از سرزمین، به‌عنوان یک ارزش ملی در فرهنگ اسلامی و انقلابی ایران مطرح شد؛ شهادت در اسلام، یک هدف مقدس به‌شمار می‌رود. شهادت، یک حرکت آگاهانه است که مجاهد در راه خدا، جهت استقرار یک اندیشه والای الهی و انسانی و گسترش ایمان و برقراری آرامش و صلح و دادگری با بصیرت و شعور، آن را انتخاب می‌کند. شهادت، تنها قربانی‌شدن نیست؛ بلکه، در کنار بذل جان، یک منطق و فلسفه کامل انسانی و رهایی‌بخش و آزادمنشانه وجود دارد. شهادت، یک مسئولیت است که شهید بر خود احساس می‌کند؛ چه آن‌که شهادت او، مایه بقای یک ملت و پایداری ارزش‌های آنان خواهد بود.

۶. دین اسلام، به‌سبب رویکردهای خاص توحیدنگر و ویژگی‌های خاص خود، طرح مشخصی را برای آرمان‌شهر خود خواهان است. به‌بیانی دیگر، یکی از مهم‌ترین مباحثی که همواره در دین اسلام، مطرح گشته، مسئله آخرالزمان، ظهور منجی موعود و تشکیل حکومت آرمانی در آن زمان است که از امور مسلم و بدیهی نزد شیعیان به‌حساب می‌آید.

ذکر این نکته نیز، ضروری است که ایمان به ظهور مصلح جهانی، اوج عشق انسان به آگاهی، نیکی و زیبایی است. عشق به تکامل، شعله جاویدی است که تمام وجود انسان را دربرمی‌گیرد و انتظار ظهور یک منجی جهانی اوج علاقه به تکامل و تعالی است. اگر انسان‌ها، انتظار یک مصلح جهانی را می‌کشند که سراسر جهان را به صلح و آشتی و عدالت سوق می‌دهد، دلیلش این است که چنین نقطه اوجی در تکامل جامعه انسانی وجود دارد و امید ظهورش در عمق باورهای فطری همه انسان‌ها ریشه دارد، صرف‌نظر از این‌که پیرو چه مکتبی باشند.

ب) پیشنهاد

راه کارهای معرفی و ترویج باورها و ارزش‌های انقلاب اسلامی و دفاع مقدس در مراکز دانش‌آموزی و دانشجویی اعم از دولتی و خصوصی به شرح ذیل پیشنهاد می‌گردد:

۱. اختصاص حوزه تربیت و یادگیری با عنوان انقلاب اسلامی و دفاع مقدس در برنامه درسی ملی و سند تحول بنیادین.
۲. ایجاد پایگاه‌های اطلاعاتی از طریق: ایجاد کتابخانه‌های تخصصی با عنوان بانک اطلاعاتی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس در مراکز آموزشی.
۳. همکاری‌های بین‌سازمانی: همکاری فعال آموزش و پرورش و آموزش عالی با نهادهای انقلابی و ارزشی کشور اعم از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، بسیج، بنیاد شهید و امور ایثارگران، سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه‌های علمیه، صداوسیما و دیگر نهادهای مروج تفکر انقلابی در بدنه کشور تا از این مسیر، فرصت ایده‌آل برای تشکیل حلقه‌های معرفتی در مدارس و دانشگاه‌ها فراهم آید. گفتگوهای سازنده دانش‌آموزی و دانشجویی درباره معارف انقلاب اسلامی، دفاع مقدس، آینده آرمانی کشور و مقابله با تهدیدات پیش‌رو از جمله دستاوردهای این گردهمایی‌ها است. همچنین برگزاری همایش‌ها، کنفرانس‌ها، کارگاه‌های آموزشی و المپیادهای علمی دانش‌آموزی و دانشجویی با محوریت انقلاب اسلامی، دفاع مقدس و عصر پس از جنگ (دستاوردها و چالش‌ها) از جمله همکاری‌های موفق بین‌سازمانی است.
۴. وارد شدن علوم و معارف انقلاب اسلامی و دفاع مقدس در کتاب‌های درسی از طریق:
 - اختصاص سرفصل‌های آموزشی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس به تمام مقاطع تحصیلی کشور اعم از پیش‌دبستانی و دبستانی تا دانشگاهی.
 - نگارش سرفصل‌های آموزشی مذکور براساس ظرفیت‌های تعریف‌شده در هر گروه سنی دانش‌آموزی و دانشجویی.
 - همکاری فعال و سازنده بین گروه‌های تألیف کتب درسی با صاحب‌نظران و پژوهش‌گران حوزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس به منظور پیش‌برد مؤثر موارد اول و دوم.

الف) منابع فارسی

- امام خمینی رحمت‌الله‌علیه (۱۳۷۰). صحیفه نور، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- امام خمینی رحمت‌الله‌علیه (۱۳۷۸). صحیفه امام، مجموعه آثار امام خمینی رحمت‌الله‌علیه، دوره ۲۲ جلدی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمت‌الله‌علیه.
- اخوان مفرد، حمیدرضا (۱۳۸۱). ایدئولوژی انقلاب ایران، تهران: پژوهشکده امام خمینی رحمت‌الله‌علیه و انقلاب اسلامی.
- اردستانی، حسین (۱۳۷۳). برخی ارزش‌ها و ثمرات جنگ تحمیلی، مجموعه مقالات جنگ تحمیلی، تهران: دانشکده فرماندهی و ستاد.
- امیری خراسانی، احمد (۱۳۸۷). نامه پایداری، مقالات اولین کنگره ادبیات پایداری کرمان ۱۳۸۴، چاپ اول، تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
- امین‌پور، قیصر (۱۳۸۸). مجموعه کامل اشعار قیصر امین‌پور، چاپ دوم، تهران: انتشارات مروارید.
- بشلر، ژان (۱۳۷۰). ایدئولوژی چیست؟ نقدی بر ایدئولوژی‌های غربی، ترجمه علی اسدی، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- بیل، جیمز (۱۳۶۷). «جنگ، انقلاب و روحیه، قدرت ایران در جنگ خلیج فارس»، مجموعه مقالات بازشناسی جنبه‌های تجاوز و دفاع، جلد ۲، تهران: دبیرخانه کنفرانس بین‌المللی تجاوز و دفاع.
- پناهی، محمدحسین (۱۳۸۵). «ارزش‌های جهاد و شهادت در شعارهای انقلاب اسلامی»، فصلنامه نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۹.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی نظم، تهران: نشر نی.
- رحیمی، حسن (۱۳۸۷). «نقش رهبری سیاسی در جنگ‌های معاصر ایران»؛ ماهنامه پیک نور، شماره ۲.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۸). آناتومی جامعه: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی کاربردی، تهران: شرکت سهامی انتشار.

- روشه، گی (۱۳۷۴). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی عمومی، جلد اول، ترجمه هما زنجانی‌زاده، چاپ سوم، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- سازگارا، پروین (۱۳۷۷). نگاهی به جامعه‌شناسی (با تأکید بر فرهنگ)، چاپ اول، تهران: نشر کویر.
- سازمند، بهاره (۱۳۸۴). «تحلیل سازه‌نگارانه از هویت ملی در دوران جنگ تحمیلی»، فصلنامه مطالعات ملی، سال ششم، شماره ۲.
- سنگری، محمدرضا (۱۳۸۰). نقد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس، تحلیل سبک‌شناسانه، بررسی قالب‌ها و گزینش نمونه‌ها، تهران: انتشارات پالیزان.
- عمران‌درگاهی، علی (۱۳۸۱). انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی در جهان، چاپ اول، تهران: نشر معاونت آموزش نیروی مقاومت بسیج سپاه.
- عیسی‌نیا، رضا (۱۳۸۵). «امام رحمت‌الله علیه و ادبیات پایداری»، ماهنامه پژوهش‌نامه متین، شماره ۳۰.
- فرامرزی، داوود (۱۳۷۸). «نظریه ساختار مدور ارزش‌های شوارتز»، فصلنامه نامه پژوهش، شماره‌های ۱۴-۱۵.
- فرزندی‌اردکانی، عباسعلی (۱۳۸۶). «مبانی نظری صدور انقلاب از منظر امام خمینی رحمت‌الله علیه (چرایی، اهمیت و ضرورت صدور انقلاب)»؛ پژوهشنامه متین، شماره ۳۶.
- فکوری، اصغر (۱۳۸۸). روز تیغ، چاپ سوم، کرمان: انتشارات لشکر ۴۱ ثارالله.
- القطان، عدنان بن عبدالله (۱۳۸۴). بیداری اسلامی و نیازهای فکری معاصر آن، مجموعه مقالات همایش بیداری اسلامی، چشم‌انداز آینده و هدایت آن، تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، معاونت فرهنگی.
- محمدی‌شکیبا، فاطمه (۱۳۷۸). سیر تحلیلی شعر مقاومت در ادبیات فارسی از مرداد ۳۲ تا بهمن ۵۷، رساله دکتری، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- مختاری‌پور، مرضیه و همکاران (۱۳۸۵). آثار پیامدهای فرهنگی ایثار و شهادت، مجموعه مقالات نخستین همایش علمی فرهنگ ایثار و شهادت؛ شیراز: دانشگاه شیراز.
- مطلبی، مسعود؛ نادری، محمدمهدی (۱۳۸۸). «بررسی تطبیقی مفهوم آرمان‌شهر در اندیشه سیاسی اسلام، ایران و غرب»، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال دوم، شماره ۶.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۱). حماسه حسینی، جلد اول، چاپ چهلیم، تهران: انتشارات صدرا.

نبوی، سید عبدالامیر (۱۳۸۲). «الگوسازی در دوران جنگ»، فصلنامه نگین ایران، شماره ۵.
ولی‌پور زرومی، سیدحسین (۱۳۸۳). گفتمان‌های امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران، تهران:
انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

یزدی، ابراهیم (۱۳۶۸). آخرین تلاش‌ها در آخرین روزها، تهران: انتشارات قلم.

ب) منابع لاتین

Olson, Mansur (1977). *The Logic of Collective Action: Public Goods and the Theory of Groups*, Harvard University Press, and Cambridge.

Weber, Max (1978). *Economy and Society*, in Guenther Roth and Claus Wittich; Volume 2; University of California Press; Berkeley.

